

ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان

○ مجتبی خلیفه

مقدمه

تشکیل دولت صفویه در ایران، از جمله مهمترین وقایع تاریخ ایران، به شمار می‌رود که در زمینه‌های ملی، مذهبی، سیاسی، فرهنگی، هنری و... دارای اهمیت ویژه‌ای است. صفویان بیش از دو قرن بر سرزمین ایران فرمانروایی نمودند که نیمی از این مدت با اقتدار سپری شد.

در دوره صفویه بویژه از نظر مناسبات خارجی، با گسترش قابل توجهی روبرو هستیم و روابط اقتصادی و سیاسی - اولویت با روابط اقتصادی بود - به طور چشمگیری با کشورهای اروپایی و کمپانی‌های عظیم تجاری شکل گرفت که تا آن زمان بی‌سابقه بود. لذا دوره صفویه از لحاظ روابط خارجی با دول اروپایی نقطه عطفی در تاریخ ایران محسوب می‌شود. دوره صفویه همچنین بدین جهت که زمینه بسیاری از تحولات اجتماعی، سیاسی و مذهبی در اعصار بعدی گردید، دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد.

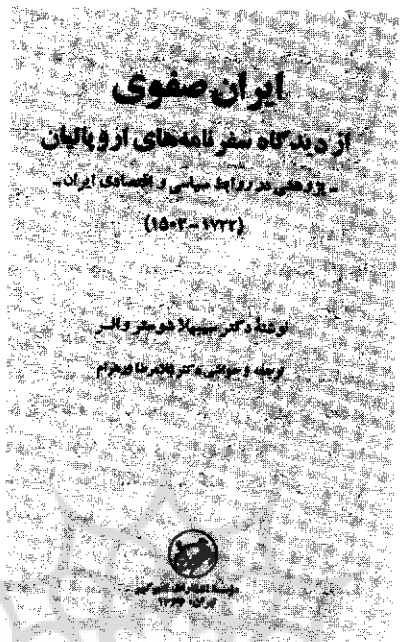
فهرست کتاب

فهرست مندرجات کتاب در سه بخش تنظیم شده که هر بخش نیز به چندین فصل تقسیم می‌شود. در پایان هم علائم اختصاری یادداشت‌ها، یادداشت‌ها، کتاب‌شناسی و فهرست اعلام آمده است.

ایراد بارزی که به فهرست کتاب وارد است اینکه، با وجود آنکه کتاب دارای پیشگفتار مؤلف است اما در فهرست کتاب هیچگونه اشاره‌ای به آن نشده و از قلم افتاده است. در ذیل فهرست کتاب برای آشنایی با موضوعات مورد بحث در کتاب عیناً آورده می‌شود:

بخش اول - اوضاع داخلی ایران
فصل اول (سلسله صفوی)

۱- اسماعیل اول ۲- طهماسب اول ۳- اسماعیل دوم ۴- محمد خدابنده



○ ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان، پژوهشی در روابط سیاسی و اقتصادی ایران (۱۷۲۲-۱۵۰۲ م).
○ تألیف: دکتر سیبلا شوستروالسر
○ ترجمه و حواشی: دکتر غلامرضا وره‌رام
○ ناشر: امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۴، ۱۶۶ ص.



پیترو دل‌واله



ژان شاردن



ژان باتیست تاورنیه



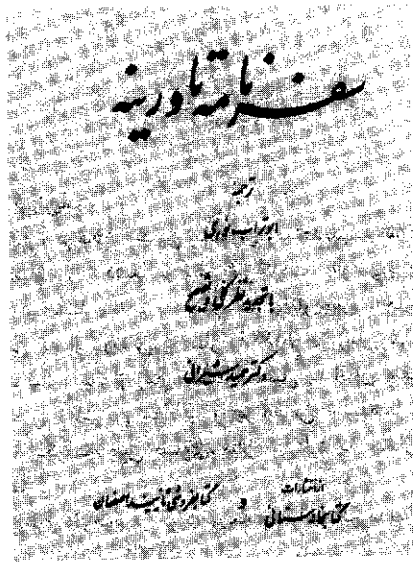
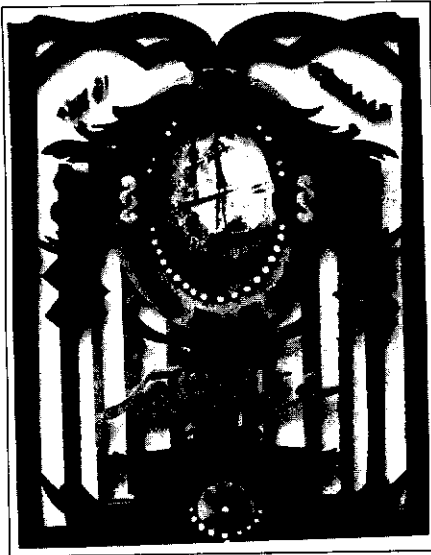
ژان فرانسوا تاورنیه



آدم اولاریوس

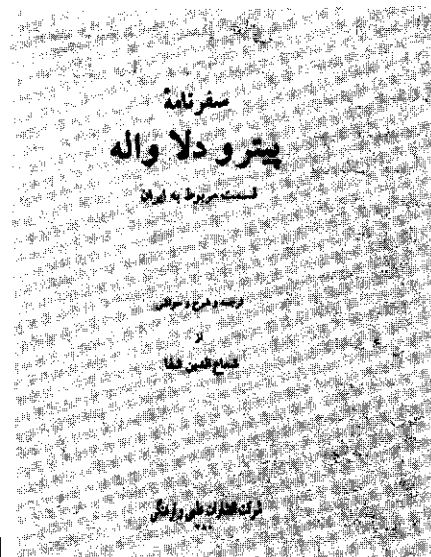


آدم اولاریوس



۵ - عباس اول ۶ - صفی اول ۷ - عباس دوم ۸ - سلیمان (صفی دوم) ۹ - سلطان حسین.
فصل دوم (دولت)
۱ - صاحب منصبان دربار ۲ - ماموران در ولایات ۳ - تشکیلات نظامی

فصل سوم (وضع مالی)
۱ - درآمد شاه ۲ - مستمری ۳ - هزینه زندگی ۴ - مسکوکات
بخش دوم - اروپاییان در خدمت ایرانیان
فصل چهارم (درباریان) فصل پنجم (نقاشان) فصل ششم (ساعت‌سازان) فصل هفتم (مهندسان) فصل هشتم (کشیشان)
بخش سوم - روابط سیاسی با اروپا
فصل نهم (فرستادگان اروپایی و خواسته‌هایشان)
۱ - پرتغال ۲ - اسپانیا ۳ - امپراتوری رومی ملت آلمان ۴ - فرستادگان هلشتاین
۵ - انگلستان ۶ - فرانسه ۷ - ونیز ۸ - سوئد.
فصل دهم (تجارت)
۱ - تجارت خصوصی
۲ - شرکت‌های تجاری: اول - تجار حادثه‌جو. دوم - شرکت انگلیسی هند شرقی.



۳ - شرکت هلندی هند شرقی
۴ - شرکت فرانسوی هند شرقی
۵ - هرمز در سیاست مستعمراتی اروپا.
علائم اختصاری یادداشت‌ها
یادداشت‌ها
کتاب‌شناسی
فهرست اعلام
فهرست‌های آخر کتاب خصوصاً کتاب‌شناسی، بیش از پیش بر ارزش کتاب افزوده است.

فصل اول - سلسله صفوی

بخش اول کتاب راجع به اوضاع داخلی ایران می‌باشد و فصل اول آن به بررسی اوضاع و احوال پادشاهان صفوی می‌پردازد که از شاه اسماعیل تا شاه سلطان حسین را در بر می‌گیرد. اطلاعات کتاب صرفاً بین سال‌های ۹۰۷ هـ / ۱۵۰۲ م تا ۱۱۳۵ هـ / ۱۷۲۲ م می‌باشد و در تمام فصول این موضوع رعایت شده است.
در صفحه اول این فصل (ص ۱۱) که نام پادشاهان صفوی و تاریخ سلطنتشان را ذکر می‌کند در مورد محمدخدا بنده و سال تاجگذاری او، سال ۱۵۷۱ م را ذکر می‌کند که صحیح آن ۱۵۷۸ م می‌باشد. (احتمالاً اشتباه چاپی است).

در مورد منشاء صفویه، طی نموداری به ازدواج شیخ جنید با خدیجه خواهر اوزون حسن و نیز ازدواج شیخ حیدر با مارتا دختر اوزون حسن اشاره می‌کند اما در سطر بعد آمده که: «بنابراین با تصویر فوق نمی‌توان از یک منشاء ناخالص صحبت کرد.»^۱ که اشتباهی صورت گرفته (یا اشتباه چاپی یا ترجمه؟) و صحیح آن؛ منشاء خالص می‌باشد که با مطالعه سطور بعدی این امر مشخص می‌شود.

در مورد شاه اسماعیل اول به شکست او از سلطان سلیم اشاره می‌کند اما نامی از جنگ چالدران نمی‌برد. در مورد روابط خارجی دوره شاه اسماعیل بیشترین سهم را به ونیزیان می‌دهد که منابع درآمدشان را شال‌های قرمز جهت کلاه رسمی قزلباشان می‌داند. اشاره‌ای گذرا هم به تصرف هرمز توسط آلبوکرک و گزارش شدن آن به دولت پرتغال دارد.

مسأله قابل بحث درباره شاه اسماعیل اینکه در صفحه ۱۵

فصل دوم (دولت)

مؤلف محترم در مقدمه کتاب شرح مختصری از محتوای کتاب ارائه نموده و هدف اصلی کتاب را چنین بیان می‌دارد: «هدف این پژوهش، بررسی این امر است که تا چه حد تصویری واقعی از ایران ارائه شده است و چه مطالبی از آن صحت دارد و یا در آن زمان اشتباه درک شده است و یا اینکه چه نقشی اروپاییان و یا نمایندگان آنان در زمان بین دوران اصلاح‌طلبی و روشنگری در سرزمین ایران - دشمن موروثی امپراتوری متجاوز ترک - بازی می‌کردند.»^۱

نقطه قوت مقدمه کتاب، تقسیم‌بندی مؤلف از اغراض سفر سیاحان غربی به ایران و نیز تقسیم‌بندی هیأت‌های مختلف اروپایی است. وی از چهار گروه سیاح با چهار گرایش در مقدمه کتاب یاد می‌کند:

۱- فرستادگان رسمی (مانند اوتلاریوس و کمپفر) که گزارشات آنها را با ارزش‌ترین گزارش‌ها می‌داند؛
۲- تجار؛

۳- نجبا و دانشمندان (مثل پیترو دل‌واله و کورنیس دوبروین)؛
۴- هیأت‌های مذهبی که نویسنده بیشترین درجه اهمیت و شناخت را برای این گروه قایل است چون معتقد است کشیشان به زبان تسلط داشتند و به عنوان مترجم وارد دربار می‌شدند.
نویسنده در مقدمه اذعان می‌دارد که تنها تعدادی از سفرنامه‌های اروپاییان را برگزیده و در نهایت هم معتقد است که اثرش را نمی‌توان به عنوان برداشتی کامل دانست.

قسمت
«تشکیلات نظامی»
کتاب حاوی آمار
و ارقامی است که
در جداول مفصل ارائه
شده است و
براساس آن،
حقوق قزلباش‌ها،
قورچی‌ها و...
براساس نوشته‌ها و
سفرنامه‌ها در سال‌های
مختلف بیان شده است

کتاب در مورد او می‌نویسد:

معتمدین بعدی، برخلاف چنین تصویری، معتقدند که شاه اسماعیل قوانین اسلامی را دقیقاً در نظر نمی‌گرفت: «او می‌باید گوشت خوک خورده باشد...» و به **سفرنامه اولناریوس** ارجاع می‌دهد. در صورتی که اولناریوس در سال ۱۶۳۶م^۲ در زمان شاه صفی بیش از صد سال پس از زمان شاه اسماعیل به ایران سفر می‌کند و به احتمال زیاد این مطالب را بر اساس شنیده‌ها و برداشتش در مورد دیگر سلاطین صفوی، بیان می‌دارد که چندان قابل قبول نیست.

مؤلف گزارش‌های موجود در مورد طهماسب را بیشتر مدیون تجار انگلیسی می‌داند که کالاهای پشمی و پارچه به شاه می‌فروختند، تصویری که از شاه طهماسب ارائه می‌دهد: شخصیتهی مذهبی با اعتقادات اغراق‌آمیز است و بخصوص رفتار شاه با **آنتونی جنکینسن** انگلیسی را شاهد می‌آورد. عمده مطالبش در مورد طهماسب برگرفته از نوشته **جفری دوکت** و **جنکینسن** است. اما یک اشتباه بزرگی که راجع به طهماسب مرتکب شده ناشی از کلی‌گویی اوست که در زیر بیان می‌کنیم، جایی که می‌گوید:

«دین‌داری و اعتقادات مذهبی او بسیار اغراق‌آمیز بیان شده است. وقتی مسیحیان را در دربار می‌پذیرفت آنان می‌بایستی کفش جدید به پا کنند، هنگامی که می‌خواستند به قصری قدم گذارند قبل از ورود آنها در مسیرشان شن پاشیده می‌شد و یا زمین را می‌کنند و پس از خروج آنها مجدداً شن‌ها پاک و زمین را مسطح می‌کردند تا اینکه پای مسیحیان زمین مقابل شاه را ناپاک نسازد...»

در واقع مورخین اروپایی رفتار شاه طهماسب با جنکینسن را دستاویزی برای انتقاد شدید از او قرار داده‌اند که امر دور از واقعیتی است، در حالی که رفتار شاه طهماسب با جنکینسن (فرستاده

شرکت مسکوی) مبتنی بر سیاست دولت و مصلحت وقت بوده و به اصطلاح یک مانور سیاسی به شمار می‌آمده، زیرا قبل و بعد از جنکینسن مسیحیان دیگری به دربار طهماسب آمده‌اند اما هیچ اشاره‌ای به بدرفتاری با آنها در منابع و سفرنامه‌ها نشده است، حتی با دیگر فرستادگان انگلیسی و همکاران جنکینسن در شرکت مسکوی که پس از او به ایران آمدند، شاه طهماسب برخورد خوبی داشته است، لذا نتیجه می‌گیریم که رفتار شاه با جنکینسن صرفاً جنبه سیاسی و به دلیل پایداری صلح با عثمانی بوده است و اینکه نمی‌خواستند موارد عهدنامه را نقض نمایند.^۵

در مورد پادشاهی اسماعیل دوم، اشاره کاملاً صحیحی دارد مبنی بر اینکه درباره حکومت او گزارش کاملی از شاهدان عینی اروپایی در دست نیست و منابع ایرانی را هم در این باره غرض‌آلود می‌داند که کاملاً صحیح است و برای صحت گفتار او به این جمله **پیترودلاواله**، سفرنامه‌نویس ایتالیایی اشاره می‌کنیم که: «شاه اسماعیل ثانی که پس از فوت پدرش طهماسب بر اریکه سلطنت جلوس کرد پس از یک سال به قتل رسید.»^۶ و یا کمپفر هم در یک جمله او را معرفی می‌کند: «پس از طهماسب پسرش اسماعیل دوم که پادشاهی ستمکار بود جانشین شد.»^۷ لذا اطلاعات راجع به اسماعیل دوم همچنان که نویسنده می‌گوید کم و غرض‌آلود است.

نویسنده در مورد دیگر پادشاهان صفوی هم مطالبی را که در سفرنامه‌ها آمده نقل می‌کند. اما از جمله نواقص کتاب در این بخش - و گاهی مواقع دیگر بخش‌ها - این است که در صحبت او دوره هر پادشاه صفوی، در وهله اول از سفرنامه‌ها و گزارشاتی که در همان دوره نگارش یافته استفاده نکرده است. به عنوان مثال گزارش کوتاهی را که در مورد شاه سلطان حسین ارائه می‌دهد، به هیچ وجه از نوشته‌های **گروسینسکی** و **دوسرسو**، معاصران سلطان حسین نیست. باز به طور مثال تحریم مسکرات در اوایل سلطنت سلطان حسین را ناشی از مرگ پدرش، در اثر مصرف مسکرات ذکر می‌کند در صورتی که دوسرسو به این امر اشاره‌ای نداشته و آن را برخاسته از تربیت دینی و پرهیزگاری اولیه او می‌داند که البته به زودی ترک شد.^۸

در کل فصل اول، رخداد‌های مربوط به دوران سلطنت شاهان صفوی را بسیار ناقص، گذرا و کوتاه بیان می‌کند و به جای بیان خصوصیات و رویدادهای سیاسی، بیشتر امور عامیانه را گوشزد می‌نماید و از جمله چهره و شمایل و خصوصیات فردی شاهان را توصیف می‌کند.

فصل دوم (دولت):

در این قسمت بیشتر از مطالعات جدید همچون آثار: **لاکهارت**، **رهبرون**، **سیوری** و **مینورسکی** استفاده شده تا سفرنامه؛ اما مطالبش در مقایسه با سفرنامه‌ها بسیار ناقص می‌باشد. در قسمت صاحب منصبان دربار تنها به ۱۴ مورد اشاره کرده و حتی در مورد برخی مناصب هیچ‌گونه توضیحی هم نداده است (که در این مورد مترجم محترم در پی‌نوشت‌ها توضیحات کافی داده است). از جمله **انگلبورت کمپفر** به افزون بر بیست مورد از مناصب اشاره نموده که نویسنده به بسیاری از آنها اشاره نکرده و از کمپفر هم در این مورد استفاده نکرده است، از جمله مواردی همچون:

- «مهتر»، «حکیم‌ها»، «منجمین»، «مهماندارباشی»، «مستوفیان»، «میرشکارچی باشی»، «میرآخورباشی»، «داروغه پایتخت»، «صحبت یساول»، «شاه بندر (رییس گمرک)»، «ملک التجار»، «محتسب پایتخت»، «معمارباشی»، «ناظر دواب»،



یک سیاح اروپایی در دوره صفویه

**کار بسیار جالبی که
نویسنده در این قسمت
انجام داده
اینکه طی دوجداول
ارزش پول ایران را
در زمان صفویه
در مقایسه با
پول‌های مختلف اروپایی
سنجیده است**

خوبی حضور صنعتگران و هنرمندان را به تصویر می‌کشد، البته جا داشت که زرگران (طلاسازان اروپایی که اغلب فرانسوی بودند) را نیز در غالب فصلی جداگانه می‌آورد، اما تنها اشاره‌ای کوچک در فصل ساعت‌سازان به آنها کرده است. نویسنده از اولین کشیشانی که مقیم ایران شدند، کشیش آگوسینی به نام سیمون دوموره یا مورالس را نام می‌برد و می‌گوید که نماینده پادشاه پرتغال بود و در دوره شاه عباس اول در ایران بود، و اینکه در دوره شاه عباس اول صومعه‌ای برپا نمود، اما مورالس در عهد محمدخدا بنده وارد دربار صفوی شد که نویسنده به این امر اشاره‌ای نمی‌نماید.^{۱۶} همچنین شایان ذکر است اولین کشیشانی که به دربار صفوی آمده‌اند، مربوط به دوران قبل از شاه عباس و حتی دوره شاه اسماعیل است چنان که در زمان شاه اسماعیل پتروس دومونت لیانو از جانب شاه مجارستان در سال ۹۲۸ هـ / ۱۵۲۲ م. به ایران آمد.^{۱۷}

این بخش کتاب نیز شامل تمام دوره صفویه نمی‌شود و همه دوره‌ها را بیان نمی‌نماید؛ مثلاً به دوره شاه سلطان حسین صفوی و حضور کشیشی معروف به نام گروسینسکی هیچ اشاره‌ای نمی‌کند. بخش سوم - روابط سیاسی ایران و اروپا:

فصل نهم - فرستادگان اروپایی و خواسته‌هایشان: نویسنده علایق ایران و اروپا در عهد صفوی را برای برقراری ارتباط بر دو نکته استوار می‌داند:

۱) توسعه امپراتوری عثمانی و خصومت دیرینه بین ایرانیان و ترکان از یک سو و اروپاییان و ترکان از سوی دیگر.

۲) تجارت (به ویژه تجارت ابریشم که در انحصار شاه بود). روابط ایران و اروپا در دوره صفویه بر احترام متقابل استوار بوده است و بر محور مبادلات تجاری استوار شده بود، و با وجود رقابت‌های بین انگلیس، هلند و فرانسه در این زمینه، اما هیچ کدام سعی در اعمال نفوذ و سلطه سیاسی در ایران نداشتند،^{۱۸} که البته نویسنده محترم هم به خوبی به این امر اشاره می‌نماید.

نویسنده به رسم مهم و پسندیده دربار صفوی اشاره دارد و آن؛ رسم پرداخت خرج رفت و آمد سفرای اروپایی و مخارج اقامتشان توسط دربار بوده است، در حالی که در اغلب کشورهای اروپایی این رسم بسیار کم‌رنگ یا کاملاً ناشناخته بوده است. نویسنده به بررسی فرستادگان کشورهای پرتغال، اسپانیا، آلمان، هلشتاین، انگلستان، فرانسه و سوئد می‌پردازد و هلند را چون رابطه سیاسی نداشته در فصل بعد آورده است.

مطالب راجع به ارتباط ایران و پرتغال را کلاً براساس کتاب **آفونسو آلبوکرک** بیان نموده است و از دو هیأت؛ یکی هیأتی که آلبوکرک نزد اسماعیل اول می‌فرستد و بالعکس یاد می‌کند و از تنها هیأت پرتغالی دیگری که نام می‌برد شخصی به نام **بالتازار دوپسوا** و **آنتونیو تنریرو** می‌باشند که می‌نویسد به محض ورود دن‌بالتازار به دربار، شاه اسماعیل اول فوت می‌نماید. این سخن صحیح نیست زیرا براساس نوشته‌های تنریرو در می‌یابیم که او و دوپسوا با شاه اسماعیل ملاقات کرده‌اند و مذاکراتی نیز صورت گرفته است^{۱۹} که نویسنده به این موارد اشاره نمی‌نماید.

از جمله سفرای معروف پرتغالی که در این کتاب از آنها نام برده شده یکی **پدر تیکسیرا** می‌باشد که از جمله آثار او: ترجمه قسمت‌هایی از روضه‌الصفاء، سفرنامه و تاریخ شاهان هرمز می‌باشد^{۲۰} و دیگری **مستر آفونسو** است.

حتی در دوره شاه سلطان حسین صفوی سفیر پرتغالی به نام **گرگوریو پیرافیدالگو** به دربار صفوی می‌آید و گزارشی از سفرش تهیه می‌کند که در ایران با عنوان **گزارش سفیر پرتغال در دربار شاه**

«چارچی باشی»، «چالشچی باشی»^{۲۱} که به هیچ یک اشاره‌ای نموده است. در این فصل در قسمتی که تحت عنوان ماموران ولایات آورده از بین حکام و ماموران ایالات تنها به والی اشاره می‌کند در صورتی که در اغلب منابع ایرانی و خارجی به مناصبی همچون: والی، بیگلربیگی، خان و سلطان اشاره شده که نویسنده تنها از والی نام می‌برد. ساتسون در فصلی از سفرنامه‌اش تحت عنوان صاحب‌منصبان حکومتی به این موارد پرداخته است.^{۲۲} رهبرین هم در کتابش به این موارد می‌پردازد.^{۲۳}

قسمت «تشکیلات نظامی» کتاب پر مطلب و مفید و جامع است. این بخش حاوی آمار و ارقامی است که در جداول مفصل ارائه شده است و براساس آن حقوق قزلباش‌ها، قورچی‌ها و... براساس نوشته‌های سفرنامه‌ها در سال‌های مختلف بیان شده است. البته در این بخش به گفته **مینورسکی** اشاره شده که این ارقام را مورد تردید قرار داده ولی خود اظهارنظری نمی‌کند.^{۲۴}

فصل سوم (وضع مالی):

در این بخش چهار مورد عمده: ۱- درآمد شاه ۲- مستمری ۳- هزینه زندگی ۴- مسکوکات، مورد بررسی قرار گرفته است. در مورد درآمد شاه به موارد متعددی همچون: بهره زمین، مالیات چارپایان، مالیات فرش، گمرک و... طی آمار و ارقامی که ارائه می‌دهد، اشاره می‌کند. در مورد مستمری‌ها تنها به سه مورد اشاره می‌کند: تیول، همه ساله و برات. اما به دو مورد معافیت مالیاتی یا مستمری مشهور دوره صفوی هیچ‌گونه اشاره‌ای نمی‌کند: ۱- «سیورغال»، معافیتی دائم و موروثی که در قلمرو آن نوعی خودمختاری حاصل می‌شد و در مقابل دارنده آن تعهد آماده داشتن عده‌ای از افراد مقرر و معهود را داشت.^{۲۵} ۲- «الگا» قطعه زمینی که در اختیار قبیله بخصوصی قرار می‌گرفت.^{۲۶} این هر دو در منابع مختلف آمده است ولی نویسنده اشاره‌ای به آنها ندارد.

در قسمت هزینه‌های زندگی هم به کمک جداول آماری قیمت محصولات و خدمات و هزینه‌ها را به خوبی در سال‌های مختلف ارائه می‌دهد که کاری طبقه‌بندی شده و قابل استفاده می‌باشد. در قسمت مسکوکات اطلاعات نسبتاً کاملی درج شده و از انواع سکه‌های نقره و مس و نام‌های آنها در این دوره نام برده شده و تصاویری از سکه‌های اسماعیل اول، طهماسب، عباس اول و دوم، سلیمان و سلطان حسین و سکه لاری نیز به دست می‌دهد. کار بسیار جالبی که نویسنده در این قسمت انجام داده اینکه طی دو جدول ارزش پول ایران را در زمان صفویه در مقایسه با پول‌های مختلف اروپایی سنجیده است که از امتیازات کتاب می‌باشد البته باز در آخر این بخش اشاره می‌کند که ملت فقیر ایران سقوط صفویه را استقبال کردند و لشکرکشی افغانه را برای آغاز جدیدی پذیرفتند.^{۲۷} که در واقع پیشداوری عجولانه‌ای است، چه به آسانی نمی‌توان فقر ملت ایران را در این دوره به اثبات رساند.

بخش دوم - (شامل فصول چهارم تا هشتم) اروپاییان در خدمت ایرانیان

این بخش مربوط به اروپاییانی است که به دربار ایران آمده‌اند و یا در دربار خدمت کرده‌اند. به خدمت گرفتن اروپاییان برای امور سیاسی بیشتر از زمان شاه عباس و شاه صفی آغاز شد. در فصول بعدی این بخش به حضور هنرمندان و صنعتگران اروپایی که به عنوان: نقاش، ساعت‌ساز، مهندس و کشیش در دربار خدمت کرده‌اند اشاره شده، البته بسیار جزئی و در چند صفحه که از این میان تنها حضور کشیشان با تعمقی بیشتر بیان گشته است. نویسنده به

نویسنده کتاب
ایران عصر صفوی
از دیدگاه
سفرنامه‌های اروپاییان،
کوشیده است براساس
سفرنامه‌ها و
منابع اروپایی -
(البته نه همه منابع -
و از دیدی خارج از
قلمرو ایران و
برداشتی متفاوت از
مورخین ایرانی،
به ایران دوره صفوی و
جنبه‌های سیاسی و
اقتصادی آن بپردازد

سلطان حسین توسط خانم پروین حکمت ترجمه و چاپ شده است. اما نویسنده از هیچکدام از آنها نام نمی‌برد و این از جمله نقاط ضعف کتاب است.

مؤلف در مورد اسپانیا هم تنها به دو فرستاده این کشور اشاره می‌کند: ۱- آنتونیو دوگوا به دربار شاه عباس با هدف اتحاد علیه عثمانی و معتقد ساختن شاه به عقاید کاتولیکی که البته سفر ناموفقی بود، ۲- دن گارسیا سیلوافیگورا.

در مورد اهداف سفر دوگوا علاوه بر آنچه نویسنده ذکر می‌کند می‌توان به موارد زیر نیز اشاره نمود: ۱- چون جزیره بحرین توسط ایران از پرتغال گرفته شده بود منافع تجاری پرتغال در خطر بود و در پی ثبات بخشیدن به منافعش در منطقه بود، ۲- او می‌خواست شاه را وادار کند که به کشتی‌های انگلیسی و هلندی در خلیج فارس اجازه رفت و آمد ندهد، ۳- کسب اجازه برای تبلیغ دین مسیح^{۳۳}. نویسنده به این موارد نیز اشاره‌ای نمی‌کند. همچنین نویسنده از رفتار نه چندان خوب شاه عباس با دوگوا سخن می‌گوید، در صورتی که دیگر منابع، رفتار شاه را با او خوب می‌دانند و شاه اجازه ساختن صومعه به او می‌دهد اما در کل سفرش حاصلی نداشت.^{۳۳} کشور اسپانیا نیز سفرای بیشتری به ایران گسیل نموده بود که نویسنده اشاره‌ای به آنها نمی‌کند، از جمله لونیس پیرا دولاسروا سفیر اسپانیا به دربار شاه‌عباس در سال ۱۰۱۳ هـ / ۱۶۰۶ م می‌باشد.^{۳۴}

نویسنده شروع رابطه صفویان با آلمان را نامه شاه اسماعیل اول به کارل پنجم (معروف به شارلکن) می‌داند که جهت اتحاد با عثمانی فرستاده شد، در صورتی که قبل از آن فرستاده پادشاه مجارستان به نام پطرس دومونت به دربار شاه اسماعیل آمده و شاه نامه‌اش را توسط او به نزد امپراتور آلمان فرستاد که نویسنده اشاره‌ای به این موضوع نمی‌کند.^{۳۵}

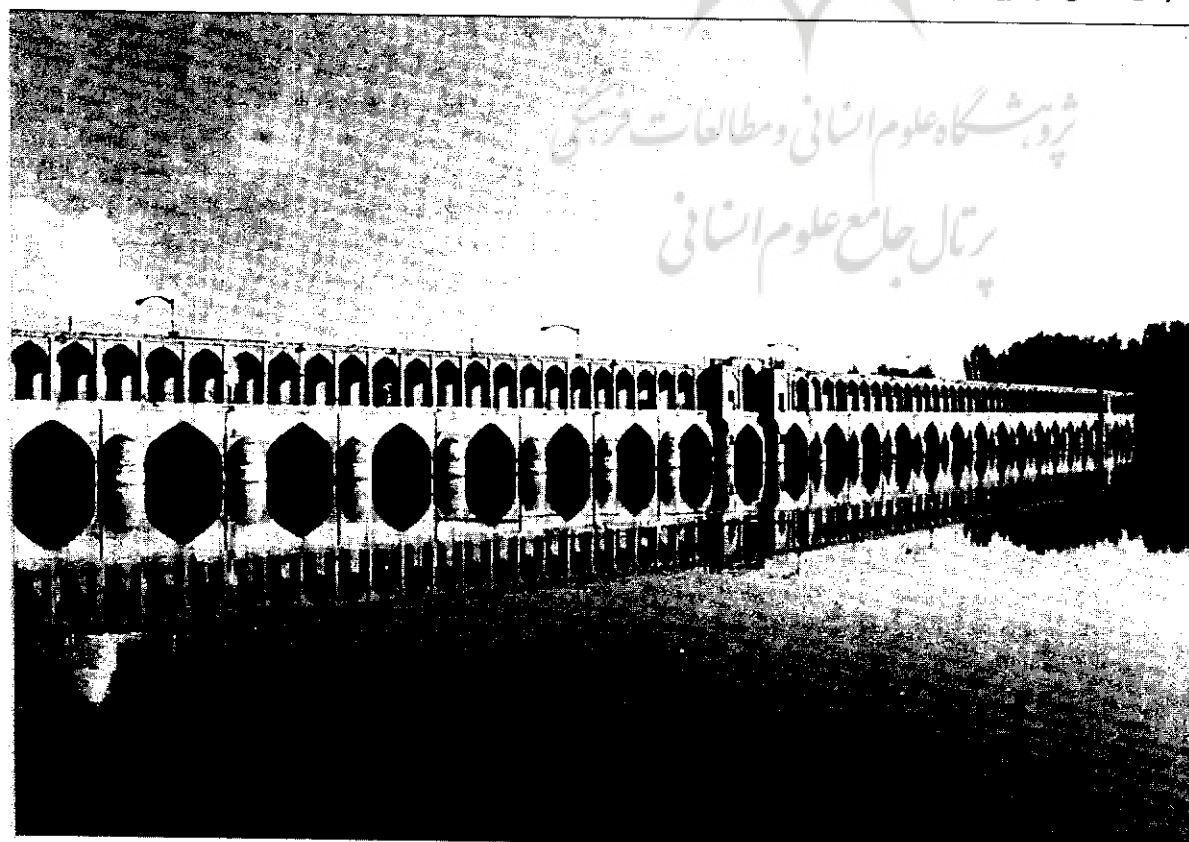
در مورد فرستادگان هلستاین از دو نفر نام برده شده: ۱- تاجری به نام بروگمان به دربار صفی اول، ۲- اولناریوس، منشی و تاریخ نگار معروف. مؤلف اشاره‌ای گذرا به آنها دارد در صورتی که جا داشت به معرفی اولناریوس و اثر معروفش می‌پرداخت چون خدمات اولناریوس در معرفی فرهنگ و اندیشه ایرانی به اروپا و مردم آلمان بسیار ارزنده بوده تا جایی که گوته، شاعر معروف آلمانی درباره او می‌گوید: «وی مرد کارآمدی بود که برای ما از سفر خود گزارش‌های سخت آموزنده و دلپذیر باقی نهاد.»^{۳۶}

رابطه با انگلستان نیز بسیار خلاصه ذکر شده و همچون سایر منابع اولین رابطه رسمی، سفر آنتونی جنکینسن ذکر شده است. نویسنده سپس به هیأت ۲۵ نفری به ریاست آنتونی شرلی اشاره می‌کند (دکتر نوایی تعداد هیأت را ۲۶ نفر ذکر می‌کند).^{۳۷} از فرستاده دیگر انگلیسی به نام سردامور کاتون هم تنها نام می‌برد، اما هیچگونه توضیحی در مورد او نمی‌دهد در حالی که او دومین سفیری است که دولت انگلستان رسماً به ایران فرستاده است (۱۳۰۷ هـ / ۱۶۲۸ م). (اولین سفیر در زمان میخاتو ایلخان مغول، به نام سرجفری لانگلی بود). البته سفارت کاتون بی‌نتیجه بود.

نویسنده در رابطه با مناسبات ایران و فرانسه بیان می‌دارد که فرانسه آخرین کشوری است که به فکر ارتباط با دولت صفویه افتاد و اولین تماس پس از تأسیس کمپانی هند شرقی فرانسه در سال ۱۰۷۵ هـ / ۱۶۶۴ م توسط کلبو، وزیر دارایی فرانسه برقرار شد. سپس به سفارت ژان پاتیست فابر به همراه ماری پتی به دربار شاه سلطان حسین اشاره دارد که فابر در راه مرد و تنها ماری پتی به حضور سلطان رسید اما سریع بازگشت. و همچنین به سفارت، محمدرضا بیگ، در زمان شاه سلطان حسین جهت انعقاد قرارداد تجاری به دربار فرانسه اشاره شده که البته بی‌نتیجه بود چون

پل وردی خان (سی و سه پل) - اصفهان قرن ۱۱ هجری / ۱۶ م

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



بازگشتش مواجه با هجوم افغان‌ها بود.

نویسنده از فرستاده‌های ونیزی به نام **دالساندری** به دربار شاه طهماسب نام می‌برد که موفق به بستن پیمان نمی‌شود. در مورد فرستادگان سوئد، به یک هیأت که در سال ۱۰۹۴ هـ / ۱۶۸۳ م در زمان کارل یازدهم، پادشاه سوئد جهت همیمنی با ترکان و تجارت به دربار شاه سلیمان صفوی فرستاده شده بودند، نام می‌برد که از افراد سرشناس آن انگلبرت کمپفر، طبیب آلمانی بود. نویسنده هیچ توضیحی حتی در معرفی جزیی کمپفر ارائه نمی‌دهد، در صورتی که جا داشت به معرفی او و سفرنامه‌اش که در آن اطلاعاتی راجع به شاه، وزیر و سایر صاحب‌منصبان درباری تا پایین‌ترین مدارج کاخ سلطنتی مثل مشعلدارباشی آورده است، می‌پرداخت. کمپفر به خوبی تشکیلات دربار صفوی و زندگی اجتماعی مردم را شرح می‌دهد.^{۳۹}

فصل دهم - (تجارت):

در این فصل ابتدا از تجارت خصوصی و تجاری که شخصاً به ایران آمده‌اند همچون: **شاردن، تاورنیه و ژاگو** فرانسوی و **جان نیوبری** انگلیسی نام می‌برد. در مورد کالاهای صادراتی ایران به فرش، مروارید، فیروزه، انواع دارو و ابریشم اشاره دارد اما به مواردی همچون پارچه‌های زربفت، پشم شتر (کرک)، توتون، خشکبار، اشاره نمی‌کند.^{۴۰} قسمت اصلی این فصل راجع به سه کمپانی هند شرقی فرانسه، هلند و انگلیس است.

نویسنده ابتدا توضیحاتی راجع به تأسیس پایگاه‌های تجاری کمپانی هند شرقی انگلیس در زمان شاه عباس اول می‌دهد و سپس در صفحه ۱۰۵ کتاب اشاره می‌کند که کمپانی هند شرقی انگلیس در زمان شاه‌عباس به دلیل فقر مردم و گرانی کالاهای انگلیسی سود چندانی نداشت اما در صفحه ۱۰۶ کتاب اشاره می‌کند که در دوره شاه‌سلطان حسین وضع تجاری کمپانی بسیار عالی

بود. در صورتی که ما می‌دانیم اوضاع ایران به ویژه از نظر اقتصادی در زمان سلطان حسین به مراتب بدتر از دوره شاه عباس بود، لذا تناقضی در گفته نویسنده وجود دارد.

اشاره به روابط تجاری شرکت هلندی هند شرقی در دوره صفویه دارد اما تنها اشاره به خرید ابریشم به مقدار اندک - حدود ۲۰۰ عدل - دارد در صورتی که **مینورسکی** معاملات شرکت هلندی را بسیار بیشتر از همه کشورها می‌داند و می‌نویسد که از مقدار صادرات سالانه ابریشم ایران که حدود ۲۲۰۰ عدل بوده (هر عدل ۱۱۰ کیلوگرم) مقدار ۲۰۰۰ عدل آن به شرکت هلندی فروخته می‌شده است.^{۴۱} بطور کلی تجارت هلندی‌ها را چندان مقرون به صرفه برای کمپانی نمی‌داند در صورتی که دکتر **ویلم فلور** که به اسناد هلندی دسترسی داشته نظری متفاوت داشته در این مورد می‌نویسد:

روابط کمپانی هند شرقی هلند از سال ۱۶۲۳ در عهد شاه عباس آغاز شد و تا ۱۷۶۶ م ادامه یافت. در طی این دوران (واک) قدرتمندترین و مهم‌ترین طرف معاملات خارجی ایران بود و این موقعیت را تا پایان دوره صفویه برای خود محفوظ داشت. کمپانی هند شرقی هلند یک نمایندگی رسمی در بندر عباس و شعباتی در اصفهان، کرمان و شیراز داشت. ویلم فلور همچنین اشاره می‌کند که واک (مخفف کمپانی هند شرقی هلند) دوکاهای زرین (سکه‌های طلا) را که به تبریز می‌آمد می‌خرد و برای بازرگانی با مالابار - سیلان - کرماندل و جاوه به کار می‌برد.^{۴۲} اما نویسنده محترم به هیچ یک از این موارد اشاره‌ای ندارد.

شرکت فرانسوی هند شرقی همچون دولت فرانسه دیرتر از بقیه به فکر ارتباط با صفویان افتاده این شرکت تجارتخانه‌ای در بندر عباس داشت، اما به قول نویسنده، به دلیل اینکه شرکت فرانسوی نماینده‌ای کاردان نداشت موفق نشد با صفویان روابط

نویسنده علایق ایران و اروپا در عهد صفوی را برای برقراری ارتباط بر دو نکته استوار می‌داند:

۱- توسعه امپراتوری عثمانی و

خصوصیت دیرینه بین

ایرانیان و ترکان

از یک سو و اروپاییان و

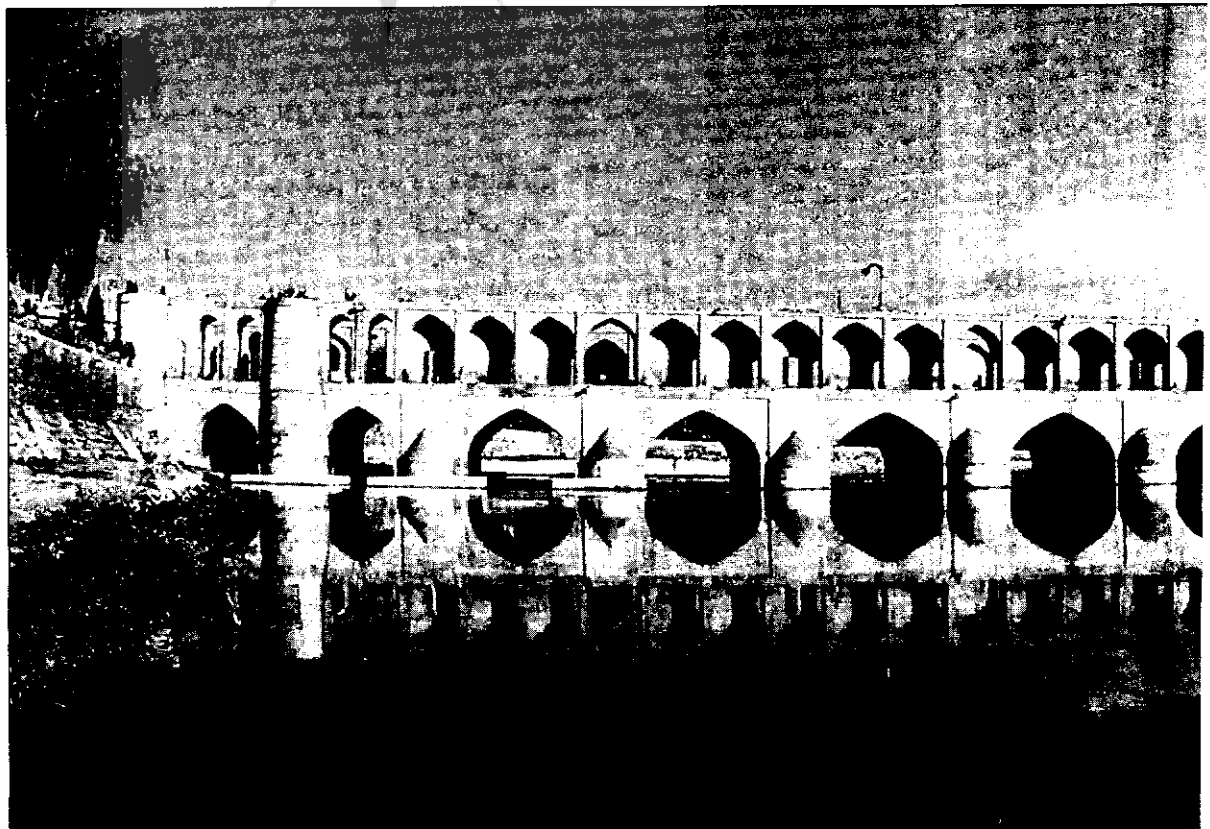
ترکان از سوی دیگر،

۲- تجارت (به ویژه

تجارت ابریشم که

در انحصار شاه بود)

۳۹-۴۰



روابط ایران و اروپا در دوره صفویه بر احترام متقابل استوار بوده است و بر محور مبادلات تجاری استوار شده بود

تجاری پرسودی برقرار سازد و حوزه کار آنها به هیأت‌های غیررسمی و صنعتگران و هنرمندان محدود می‌شد.

واپسین مطلب فصل دهم مربوط به هرمز در سیاست مستعمراتی می‌باشد که در این قسمت نویسنده تسخیر هرمز توسط آلبوکرک پرتغالی و تحت‌الحمایه پرتغال شدن آن را مورد بحث قرار داده و دربارهٔ اخراج پرتغالی‌ها توسط کمک انگلیسی‌ها شرح مختصری ارائه می‌کند.

برخی اشکالات ظاهری در کتاب

۱- فقدان نام لاتین کتاب برای مراجعه، خواننده در صورت نیاز به اصل کتاب؛

۲- عدم وجود پیشگفتار مترجم، جهت تکمیل ترجمه و حواشی و پرداختن به بیان نحوهٔ ترجمه و...

حتی پیشگفتار مؤلف هم تنها با عنوان «پیشگفتار» آمده است و چون امضاء ندارد، قبل از مطالعه نمی‌توان حدس زد از آن مؤلف است یا مترجم؛

۳- با مطالعه عنوان کلی کتاب، خواننده در پی دیدن کتابی حجیم و کامل راجع به مناسبات سیاسی و اقتصادی صفویه است، اما به نظر می‌رسد چنین عنوانی برای کتابی با متن حدوداً یکصد صفحه‌ای، آن هم با احتساب حواشی مترجم آن، تناسب ندارد؛

۴- مترجم محترم صرفاً به ترجمه کتاب پرداخته و در مواردی برخی اصطلاحات و واژه‌ها را توضیح داده که بسیار مفید است، اما هیچگونه دید انتقادی نسبت به نوشته‌های کتاب ارائه نداده است؛

۵- کتاب فاقد نتیجه‌گیری است، لذا فهم اینکه آیا نویسنده به اهدافی که در مقدمه ذکر می‌کند رسیده یا نه مشکل است؛

۶- در مورد شخصیت علمی نویسنده و میزان تسلط و تخصص او بر موضوع مورد بحث و مهمتر از همه زبان مبدا کتاب، یعنی اینکه از چه زبانی ترجمه شده و آیا کتاب جدیدی است یا خیر، مترجم محترم هیچ‌گونه اطلاعاتی در اختیار خواننده نمی‌گذارد، لذا سؤالات بسیاری برای خواننده بی‌پاسخ می‌ماند، جا داشت مترجم محترم در صورت دسترسی به اطلاعات راجع به نویسنده، در مقدمه‌های مجزا به این موارد اشاره می‌نمود.

نتیجه

نویسنده کتاب ایران عصر صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان کوشیده است براساس سفرنامه‌ها و منابع اروپایی - البته نه همه منابع - و از دیدی خارج از قلمرو ایران و برداشتی متفاوت از مورخین ایرانی، به ایران دورهٔ صفوی و جنبه‌های سیاسی و اقتصادی آن بپردازد.

به کاستی‌های کتاب در حین نقد اشاره شد، در عین حال باید متذکر شد که کتاب علی‌رغم حجم بسیار اندک و اختصاری که در بیان مطالبش به چشم می‌خورد، توانسته از بین اطلاعات فراوان و گزارشات مغشوش و بعضاً مغرضانه که در نوشته‌های اروپاییان دیده می‌شود، تصویری نسبتاً یکدست از تاریخ این عصر ارائه نماید. بخصوص در بخش‌هایی از کتاب همچون: روابط خارجی و تجاری صفویه با اروپاییان و نیز اوضاع مالی صفویه، بیش از دیگر بخش‌ها این ویژگی صدق می‌کند. به این دلیل تلاش نویسنده قابل تقدیر می‌باشد چه اینکه خود او هم در مقدمه اقرار دارد که اثرش را نمی‌توان به عنوان برداشتی کامل دانست.

در کل کتاب به عنوان شروعی برای نقد و بررسی سفرنامه‌ها و گزارشات اروپاییان، جهت به نگارش درآوردن کتابی جامع در مورد تاریخ صفویان مفید می‌باشد و می‌تواند راهنمای محققان و پژوهشگران این دوره از تاریخ ایران قرار گیرد. نگارنده در پایان از

استاد و سروران محترم می‌خواهد که اشتباهات حقیر را در نقد این کتاب یا بضاعت علمی و بزرگواری خود ببخشایند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- سیبیللا شوستر والسر: ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان، ترجمه غلامرضا وره‌رام، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴، ص ۷.

۲- همان، ص ۱۲.

۳- سیروس شفقت و مهدی روشن ضمیر، «سیاحان آلمانی که در عصر صفویه از ایران دیدن نمودند» مجله هنر و مردم، شماره ۱۰۹، ص ۱۷.

۴- شوستر والسر، پیشین، ص ۱۶.

۵- نوایی، عبدالحسین: روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۷، ص ۱۷-۱۱۶.

۶- دل‌واله، پی‌ترو: سفرنامه پی‌ترو دل‌واله، ترجمه شماع‌الدین شفا، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۴۸، ص ۲۴۷.

۷- کمپفر، انگلبرت، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکلوس جهاننداری، چاپ سوم، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۳، ص ۲۴.

۸- دوسرسو: علل سقوط شاه سلطان حسین، ترجمه ولی‌الله شانان، تهران، انتشارات کتابسرا، ۱۳۶۴، ص ۲۶.

۹- کمپفر، پیشین، صص ۱۰۸-۹۷.

۱۰- سانسون: سفرنامه سانسون (وضع کشور ایران در زمان شاه سلیمان صفوی)، ترجمه تقی تفضلی، تهران، انتشارات ابن‌سینا، ۱۳۴۶، ص ۶۱.

۱۱- ره‌زبرن، کلاوس میثائیل: نظام ایالات در دورهٔ صفویه، ترجمه کیکلوس جهاننداری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۷، ص ۲۸.

۱۲- شوستر والسر، پیشین، صص ۳۹-۳۳.

۱۳- مینورسکی، ولادیمیر: سازمان اداری حکومت صفوی (تعلیقات و حواشی بر تذکره الملوک)، ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۸، ص ۴۴.

۱۴- همان، ص ۴۵.

۱۵- شوستر والسر، پیشین، ص ۵۳.

۱۶- فلسفی، نصرالله: تاریخ روابط ایران و اروپا در دورهٔ صفویه، چاپ دوم، تهران، انتشارات کتاب‌های جیبی، ۱۳۴۲، ص ۱۹.

۱۷- میراحمدی، مریم: دین و دولت در عصر صفوی، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص ۱۰۵.

۱۸- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا: تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا جنگ دوم جهانی، چاپ ششم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷، ص ۵.

۱۹- حسن جوادی، «سفرنامه‌های پرتغالی و اسپانیولی در ایران»، مجله کتاب الفبا، ج ۶، ص ۴۱.

۲۰- همان، ص ۴۳.

۲۱- اوین، ژان: گزارش سفیر پرتغال در دربار شاه سلطان حسین صفوی، (گرگوریو بریرافیدالگو) ترجمه پروین حکمت، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.

۲۲- حسن جوادی، پیشین، ص ۴۷.

۲۳- عبدالحسین نوایی، پیشین، ص ۹۵.

۲۴- همان، ص ۹۸.

۲۵- همان، ص ۱۸۵.

۲۶- همان، ص ۲۰۰.

۲۷- همان، ص ۱۱۷.

۲۸- همان، ص ۱۳۵.

۲۹- سیروس شفقت و مهدی روشن ضمیر، پیشین، صص ۲۱-۱۶.

۳۰- باستانی یاریزی، ابراهیم: سیاست و اقتصاد عصر صفوی، چاپ دوم، تهران، انتشارات صفی‌علیشاه، ۱۳۵۷، ص ۱۱۷.

۳۱- مینورسکی، ولادیمیر، پیشین، ص ۳۱.

۳۲- فلور، ولیم: برافتادن صفویان و برآمدن محمود افغان، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۵، صص ۱۰-۷.